

معمای هرمز

مرور ۳۱ گزارش از ۱۰ اندیشکده مطرح اروپایی درباره تنگه هرمز

(استفاده از مطالب صرفاً با ذکر منبع)

بخش‌های گزارش:

مقدمه

خلاصه مدیریتی

مقالات و یادداشت‌های اندیشکده‌های اروپایی درباره تنگه هرمز

جمع‌بندی و تحلیل راهبردی

رصد، ترجمه و تنظیم: گروه رصد بین‌الملل جامعه اندیشکده‌ها

مرداد ۱۴۰۵

گزارش پیش رو ماحصل رصد و بررسی اندیشکده‌ها، مراکز مطالعاتی غربی و نهادهای حاکمیتی-بین‌المللی اروپا با موضوع تنگه هرمز است که در قالب مقاله، یادداشت، سند راهبردی، گزارش ویژه و نشست یا پادکست در بازه زمانی مارس تا ۲۳ جولای ۲۰۲۶ منتشر کرده‌اند. همچنین گفتنی است که مبنای این گزارش، محتوای تولیدی صرفاً مراکز مطالعاتی-اندیشکده‌ای و نهادهای حاکمیتی و بین‌المللی است و نه خبرگزاری و وبگاه‌های تحلیلی در این حوزه.

تنگه هرمز یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های راهبردی جهان است که نقش آن از یک مسیر صرفاً دریایی فراتر رفته و به یکی از عناصر اصلی امنیت بین‌المللی، تجارت جهانی و بازار انرژی تبدیل شده است. بخش قابل توجهی از صادرات نفت خام، گاز طبیعی مایع و بسیاری از کالاهای راهبردی از این آبراه عبور می‌کنند و هرگونه اختلال در آن می‌تواند پیامدهایی فراتر از منطقه خلیج فارس ایجاد کند. به همین دلیل، تنگه هرمز در سال‌های اخیر همواره در مرکز تحلیل‌های اندیشکده‌ها، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی قرار داشته و به یکی از شاخص‌های اصلی ارزیابی ثبات ژئوپلیتیکی جهان تبدیل شده است.

مطالعات منتشرشده از سوی مراکز پژوهشی معتبر نشان می‌دهد که اهمیت تنگه هرمز تنها به انتقال انرژی محدود نمی‌شود، بلکه این گذرگاه بر امنیت غذایی، زنجیره‌های تامین جهانی، بیمه دریایی، حمل‌ونقل بین‌المللی، سرمایه‌گذاری و حتی سیاست‌های صنعتی کشورها نیز اثرگذار است. اختلال در عبور کشتی‌ها می‌تواند موجب افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل، رشد قیمت کالاهای اساسی، کاهش اطمینان سرمایه‌گذاران و تغییر مسیرهای تجاری شود. از این رو، تحلیل تنگه هرمز مستلزم نگاهی جامع است که ابعاد امنیتی، اقتصادی، حقوقی، ژئوپلیتیکی و انسانی را به‌صورت همزمان در نظر بگیرد.

در سال ۲۰۲۶، تشدید تنش‌های منطقه‌ای و احتمال اختلال در کشتیرانی، بار دیگر تنگه هرمز را به محور اصلی مباحث امنیت بین‌الملل تبدیل کرد. بسیاری از اندیشکده‌های غربی، اروپایی و بین‌المللی در تحلیل‌های خود تلاش کردند پیامدهای احتمالی محدودشدن عبور کشتی‌ها، افزایش تهدیدهای دریایی، تغییر رفتار بازارهای انرژی و واکنش قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را بررسی کنند. این مجموعه مطالعات نشان می‌دهد که امنیت این آبراه دیگر صرفاً مسئله‌ای منطقه‌ای نیست، بلکه به یکی از متغیرهای اثرگذار بر اقتصاد جهانی و نظم بین‌المللی تبدیل شده است.

یکی از مهم‌ترین محورهای مشترک این مطالعات، بررسی آسیب‌پذیری اقتصاد جهانی در برابر وابستگی به گلوگاه‌های راهبردی است. تجربه بحران‌های اخیر نشان داده است که حتی اختلال محدود در تنگه هرمز می‌تواند موجب افزایش قیمت نفت، گاز، حمل‌ونقل دریایی و بیمه کشتی‌ها شود و آثار آن به سرعت در بازارهای جهانی منعکس گردد. همچنین، محدود بودن ظرفیت مسیرهای جایگزین انتقال انرژی سبب شده است که وابستگی بسیاری از کشورها به این آبراه همچنان ادامه داشته باشد و امکان جایگزینی کامل آن در کوتاه‌مدت وجود نداشته باشد.

ابعاد حقوقی و امنیتی تنگه هرمز نیز در سال‌های اخیر بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته است. موضوعاتی مانند آزادی کشتیرانی، عبور ترانزیتی، حقوق بین‌الملل دریاهای، مسئولیت دولت‌های ساحلی، مأموریت‌های دریایی چندملیتی، عملیات مین‌روبی و امنیت خطوط مواصلاتی از جمله محورهایی هستند که در مطالعات مختلف بررسی شده‌اند. این مباحث نشان می‌دهد که مدیریت امنیت تنگه هرمز تنها به توان نظامی وابسته نیست، بلکه به همکاری‌های حقوقی، سیاسی و دیپلماتیک میان بازیگران مختلف نیز نیاز دارد.

در کنار مسائل امنیتی، بسیاری از گزارش‌ها بر پیامدهای اقتصادی بلندمدت بحران تنگه هرمز تمرکز کرده‌اند. این مطالعات بر این باورند که بحران‌های پی‌درپی می‌تواند روند سرمایه‌گذاری در بخش انرژی، توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل، تنوع‌بخشی به منابع تامین انرژی و طراحی مسیرهای جایگزین تجاری را تسریع کند. همچنین، کشورها ممکن است در واکنش به این شرایط، سیاست‌های جدیدی برای افزایش تاب‌آوری اقتصادی، کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی و تقویت امنیت زنجیره‌های تامین اتخاذ کنند؛ روندی که می‌تواند ساختار اقتصاد جهانی را در بلندمدت تحت تأثیر قرار دهد.

گزارش حاضر بر پایه مجموعه‌ای از مقالات، گزارش‌ها، یادداشت‌های تحلیلی و نشست‌های تخصصی منتشرشده اندیشکده‌ها و نهادهای پژوهشی معتبر اروپایی تهیه شده است. هدف این گزارش، ارائه تصویری منسجم از مهم‌ترین دیدگاه‌های مطروحه درباره تنگه هرمز، ابعاد امنیتی، اقتصادی، حقوقی و ژئوپلیتیکی آن و پیامدهای احتمالی تحولات این گذرگاه بر نظام بین‌الملل است. رویکرد گزارش توصیفی و تحلیلی بوده و تلاش شده است ضمن حفظ بی‌طرفی، نقاط اشتراک و تفاوت دیدگاه‌های مختلف درباره آینده تنگه هرمز و نقش آن در تحولات جهانی به‌صورت منظم و یکپارچه تبیین شود.

بررسی مجموعه گزارش‌های منتشرشده از سوی اندیشکده‌های اروپایی نشان می‌دهد که تنگه هرمز همچنان یکی از مهم‌ترین گره‌های ژئوپلیتیکی جهان محسوب می‌شود و نقش آن فراتر از انتقال نفت و گاز است. این آبراه به دلیل پیوند مستقیم با امنیت انرژی، تجارت جهانی، زنجیره‌های تامین، بازارهای مالی و ثبات اقتصاد بین‌الملل، به یکی از حساس‌ترین نقاط راهبردی جهان تبدیل شده است. اغلب تحلیل‌ها بر این نکته تاکید دارند که هرگونه اختلال در این مسیر می‌تواند آثار اقتصادی و سیاسی گسترده‌ای ایجاد کند که دامنه آن از منطقه خلیج فارس فراتر رفته و بسیاری از اقتصادهای وابسته به واردات انرژی را تحت تاثیر قرار دهد.

مطالعات بررسی‌شده نشان می‌دهد که تهدیدهای متوجه تنگه هرمز تنها به بسته شدن کامل این آبراه محدود نیست. حتی حملات محدود به کشتی‌ها، مین‌گذاری دریایی، حملات پهپادی، افزایش مخاطرات امنیتی یا رشد هزینه‌های بیمه نیز می‌تواند موجب کاهش تردد کشتی‌های تجاری و افزایش قیمت انرژی شود. از این منظر، امنیت تنگه هرمز بیش از آنکه به باز یا بسته بودن رسمی آن وابسته باشد، به میزان اعتماد شرکت‌های کشتیرانی، بیمه‌گران، سرمایه‌گذاران و بازارهای جهانی نسبت به امنیت پایدار این مسیر بستگی دارد.

بخش قابل توجهی از گزارش‌ها بر محدود بودن ظرفیت مسیرهای جایگزین انتقال انرژی تاکید دارند. اگرچه برخی خطوط لوله، بنادر و مسیرهای زمینی می‌توانند بخشی از صادرات کشورهای حوزه خلیج فارس را منتقل کنند، اما در شرایط فعلی توان جایگزینی کامل تنگه هرمز را ندارند. به همین دلیل، بسیاری از نویسندگان معتقدند که هر بحران طولانی‌مدت در این آبراه می‌تواند بازارهای جهانی نفت، گاز طبیعی مایع، حمل‌ونقل دریایی و حتی تجارت کالاهای اساسی را با فشارهای قابل توجهی مواجه سازد.

در حوزه امنیت دریایی، بیشتر مطالعات بر این موضوع اتفاق نظر دارند که حفاظت از تنگه هرمز صرفاً با افزایش حضور نظامی امکان‌پذیر نیست. تهدیدهای نامتقارن مانند مین‌های دریایی، موشک‌های ساحل به دریا، شناورهای تندرو، پهپادها و حملات سایبری، محیط عملیاتی پیچیده‌ای ایجاد کرده‌اند که مقابله با آن نیازمند ترکیبی از عملیات نظامی، تبادل اطلاعات، مین‌روبی، اسکورت دریایی، سامانه‌های هشدار سریع و هماهنگی گسترده میان دولت‌ها و شرکت‌های فعال در حوزه حمل‌ونقل دریایی است.

مطالعات حقوقی نیز بر اهمیت جایگاه بین‌المللی تنگه هرمز تاکید دارند. موضوع آزادی کشتیرانی، عبور ترانزیتی و رعایت قواعد حقوق بین‌الملل دریاها در اغلب گزارش‌ها به‌عنوان پایه اصلی حفظ ثبات این آبراه معرفی شده است. در کنار مباحث حقوقی، برخی گزارش‌ها نشان می‌دهند که در عمل، اجرای این قواعد تا حد زیادی به شرایط امنیتی، سطح تنش‌های سیاسی و میزان همکاری میان بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای وابسته است و صرف وجود قواعد حقوقی، تضمین‌کننده امنیت پایدار نخواهد بود.

بخش دیگری از گزارش‌ها پیامدهای بحران هرمز را از منظر سیاست انرژی بررسی کرده‌اند. این مطالعات نتیجه می‌گیرند که بحران‌های اخیر، روند تنوع‌بخشی به منابع انرژی، توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، افزایش بهره‌وری انرژی، گسترش زیرساخت‌های ذخیره‌سازی و طراحی مسیرهای جایگزین انتقال کالا را تسریع کرده است. از نگاه این اندیشکده‌ها، کاهش وابستگی به گلوگاه‌های راهبردی مانند تنگه هرمز به یکی از اهداف اصلی سیاست‌های انرژی در اروپا و برخی اقتصادهای بزرگ جهان تبدیل شده است.

در بُعد ژئوپلیتیکی، اغلب تحلیل‌ها نشان می‌دهند که تحولات تنگه هرمز بر رفتار قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تاثیر مستقیم دارد. کشورهای عربی حوزه خلیج‌فارس، ایالات متحده آمریکا، کشورهای اروپایی، چین، هند و سایر بازیگران آسیایی هر یک با توجه به منافع اقتصادی و امنیتی خود، راهبردهای متفاوتی برای مدیریت بحران، حفاظت از کشتیرانی، حفظ جریان انرژی و کاهش ریسک‌های ناشی از ناامنی این آبراه دنبال می‌کنند. این تنوع رویکردها، پیچیدگی مدیریت بحران در تنگه هرمز را افزایش داده است.

بررسی مجموعه منابع نشان می‌دهد که تنگه هرمز دیگر صرفاً یک گذرگاه دریایی نیست، بلکه یکی از عناصر کلیدی نظم اقتصادی و امنیتی جهان محسوب می‌شود. اهمیت این آبراه در سال‌های اخیر از حوزه انرژی فراتر رفته و به موضوعاتی مانند امنیت غذایی، زنجیره‌های تامین، رقابت قدرت‌های بزرگ، تاب‌آوری اقتصاد جهانی، حقوق بین‌الملل و همکاری‌های چندجانبه گسترش یافته است. بر همین اساس، بسیاری از گزارش‌ها نتیجه می‌گیرند که آینده امنیت تنگه هرمز بیش از هر زمان دیگری به ترکیب اقدامات دیپلماتیک، امنیتی، حقوقی و اقتصادی وابسته خواهد بود و مدیریت موفق آن نیازمند همکاری مستمر میان بازیگران مختلف است.

مسئله تنگه هرمز: «تامین امنیت» این آبراه در عمل به چه الزاماتی نیاز دارد؟

موسسه نیروهای مسلح متحده سلطنتی (راسی) - 5 مارس 2026

تنگه هرمز در این یادداشت به عنوان گذرگاهی توصیف می‌شود که حتی بدون اعلام رسمی انسداد، می‌تواند عملاً کارکرد عادی خود را از دست بدهد. نویسنده توضیح می‌دهد که کاهش شدید عبور کشتی‌ها بیش از آنکه نتیجه یک محاصره دریایی کلاسیک باشد، ناشی از تأثیر حملات محدود به شناورهای تجاری، افزایش ریسک بیمه و تغییر رفتار بازار حمل‌ونقل است. از این منظر، امنیت تنگه تنها به حضور نیروهای نظامی وابسته نیست، بلکه اعتماد شرکت‌های کشتیرانی، بیمه‌گران و فعالان بازار انرژی نیز در بازگشت جریان عادی تردد نقش تعیین‌کننده دارد. همچنین به ویژگی‌های جغرافیایی و راهبردی تنگه هرمز و دشواری‌های عملیاتی حفاظت از آن اشاره می‌شود.

این یادداشت استدلال می‌کند که ایجاد امنیت پایدار در تنگه هرمز مستلزم مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ نظامی، اقتصادی و سیاسی است و صرف استقرار ناوهای جنگی یا اسکورت کشتی‌ها نمی‌تواند تهدیدها را به‌طور کامل برطرف کند. نویسنده با اشاره به گستردگی سواحل ایران، تنوع سامانه‌های دریایی و موشکی و پیچیدگی محیط عملیاتی، معتقد است کاهش کامل خطر حملات نظامی بسیار دشوار خواهد بود. در نهایت، نتیجه‌گیری مقاله بر این نکته استوار است که بازگشت واقعی امنیت زمانی محقق می‌شود که هزینه‌های بیمه و ریسک تجاری کاهش یابد؛ هدفی که از دید نویسنده، بیش از هر چیز به کاهش پایدار تنش‌ها و دستیابی به یک راهحل سیاسی وابسته است.

محاصره آمریکا در تنگه هرمز: کدام طرف برتری را در اختیار دارد؟

موسسه نیروهای مسلح متحده سلطنتی (راسی) - 5 می 2026

این یادداشت به بررسی سناریوی محاصره دریایی تنگه هرمز از سوی ایالات متحده آمریکا و واکنش‌های احتمالی ایران می‌پردازد و نشان می‌دهد که رقابت دو طرف تنها به کنترل نظامی آبراه محدود نیست، بلکه ابعاد اقتصادی، سیاسی و انرژی نیز در تعیین نتیجه نقش دارند. نویسندگان توضیح می‌دهند که آمریکا با رهگیری و محدودسازی تردد کشتی‌های مرتبط با ایران تلاش می‌کند صادرات انرژی این کشور را تحت فشار قرار دهد، درحالی‌که ایران از موقعیت جغرافیایی خود در تنگه هرمز برای اعمال محدودیت‌های انتخابی بر عبور کشتی‌ها و افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل دریایی بهره می‌گیرد. مقاله تأکید می‌کند که کنترل این گذرگاه راهبردی به توانایی هر طرف در تأثیرگذاری بر رفتار شرکت‌های کشتیرانی و بازار انرژی نیز وابسته است.

در ادامه، مقاله توضیح می‌دهد که محاصره دوردست آمریکا اگرچه می‌تواند فشار اقتصادی بر ایران ایجاد کند، اما در بلندمدت ممکن است به استقرار گسترده‌تر نیروهای دریایی و حرکت به سمت محاصره نزدیک بنادر ایران منجر شود؛ اقدامی که احتمال تشدید حملات متقابل به زیرساخت‌های انرژی منطقه و افزایش اختلال در بازارهای جهانی را در پی خواهد داشت. نویسندگان نتیجه می‌گیرند که هیچ‌یک از دو طرف از برتری قاطع برخوردار نیست و تنگه هرمز همچنان اهرمی راهبردی برای هر دو محسوب می‌شود. از دید مقاله، موفقیت هر راهبرد به توانایی طرفین در مدیریت هزینه‌های اقتصادی، حفظ بازدارندگی و تبدیل دستاوردهای نظامی به نتایج سیاسی و مذاکراتی وابسته خواهد بود.

ارزیابی کارشناسان از تشدید تنش‌ها و مخاطرات منطقه‌ای در مناقشه ایران

موسسه نیروهای مسلح متحده سلطنتی (راسی) - 4 مارس 2026

این ویدئوی تحلیلی با حضور چهار کارشناس موسسه RUSI، پیامدهای نخستین روزهای درگیری میان ایران، ایالات متحده و اسرائیل را بررسی می‌کنند و تنگه هرمز را یکی از مهمترین کانون‌های بحران معرفی می‌کنند. کارشناسان توضیح می‌دهند که هرگونه اختلال در این آبراه، حتی بدون انسداد کامل، می‌تواند عبور کشتی‌های تجاری و نفتکش‌ها را کاهش دهد و بازارهای انرژی و حمل‌ونقل جهانی را با بی‌ثباتی روبه‌رو کند. در این تحلیل، تنگه هرمز صرفاً یک گذرگاه دریایی نیست، بلکه به عنوان نقطه‌ای راهبردی مطرح می‌شود که تحولات نظامی، بازدارندگی دریایی و تصمیم‌های سیاسی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در آن به یکدیگر گره خورده‌اند.

در ادامه، کارشناسان به سناریوهای گسترش درگیری و آثار آن بر امنیت منطقه می‌پردازند و احتمال سرایت بحران به خلیج فارس، دریای سرخ و سایر جبهه‌های پیرامونی را بررسی می‌کنند. آنها تاکید دارند که تداوم تنش در اطراف تنگه هرمز می‌تواند هزینه‌های بیمه دریایی، ریسک کشتیرانی و نوسانات بازار انرژی را افزایش دهد و همزمان تصمیم‌گیری دولت‌ها و شرکت‌های تجاری را پیچیده‌تر سازد. همچنین در این گفت‌وگو موضوعاتی مانند ارزیابی برنامه هسته‌ای ایران، واکنش‌های متقابل منطقه‌ای و اهداف راهبردی بازیگران درگیر مطرح می‌شود و نتیجه‌گیری کلی بر این است که مدیریت بحران در تنگه هرمز، علاوه بر اقدامات نظامی، به تحولات سیاسی و دیپلماتیک نیز وابسته خواهد بود.

نبرد واقعی هرمز در آستانه آغاز است و ایران از مزیت‌هایی برخوردار است

موسسه نیروهای مسلح متحده سلطنتی (راسی) – 17 مارس 2026

این یادداشت استدلال می‌کند که پس از مرحله اولیه درگیری‌های نظامی، مرکز ثقل رقابت به تنگه هرمز منتقل شده است؛ جاییکه توانایی ایران برای ایجاد اختلال در کشتیرانی و جریان انرژی جهانی اهمیت بیشتری از نبردهای متعارف پیدا می‌کند. نویسنده توضیح می‌دهد که تنگه هرمز به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص، تراکم بالای تردد نفتکش‌ها و نزدیکی به سواحل ایران، محیطی مناسب برای به کارگیری ابزارهای نامتقارن از جمله موشک‌های ضدکشتی، پهپادها، مین‌های دریایی و شناورهای تندرو فراهم می‌آورد. از این منظر، چالش اصلی نه بستن رسمی آبراه، بلکه ایجاد سطحی از ناامنی است که شرکت‌های کشتیرانی و بیمه‌گران را به کاهش یا توقف فعالیت در این مسیر سوق دهد.

مقاله تاکید می‌کند که موفقیت یا ناکامی طرف‌های درگیر در تنگه هرمز بیش از آنکه به نابودی کامل توان نظامی رقیب وابسته باشد، به مسئله بازدارندگی و تحمیل هزینه‌های اقتصادی مربوط است. نویسنده معتقد است که حتی در صورت برتری نظامی آمریکا در دریا و هوا، حفاظت دائمی از همه خطوط کشتیرانی در برابر تهدیدهای پراکنده و کم‌هزینه کار دشواری خواهد بود. در نتیجه، تنگه هرمز به صحنه‌ای تبدیل می‌شود که در آن هر دو طرف می‌کوشند از اهرم‌های دریایی و اقتصادی برای تاثیرگذاری بر روند مذاکرات و شکل‌دهی به ترتیبات امنیتی آینده استفاده کنند. در این چارچوب، اهمیت راهبردی تنگه هرمز نه فقط در عبور انرژی، بلکه در نقش آن به عنوان ابزار فشار و چانه‌زنی سیاسی برجسته می‌شود.

چرا جهان فوری به بازگشایی تنگه هرمز نیاز دارد؟

گروه بحران بین‌الملل – 29 می 2026

در یکی از فایلهای تصویری این اندیشکده، تنگه هرمز به عنوان یکی از حیاتی‌ترین گلوگاه‌های تجارت جهانی معرفی می‌شود و نشان می‌دهد که اختلال طولانی‌مدت در عبور کشتی‌ها، آثار آبی و زنجیره‌ای بر اقتصاد بین‌المللی بر جای می‌گذارد. گزارش توضیح می‌دهد که این آبراه مسیر اصلی انتقال بخش بزرگی از نفت خام و گاز طبیعی مایع است و کاهش تردد در آن، علاوه بر افزایش هزینه حمل‌ونقل و بیمه دریایی، موجب نوسان قیمت انرژی و اختلال در زنجیره‌های تامین جهانی می‌شود. در روایت گزارش، تنگه هرمز تنها یک مسیر کشتیرانی نیست، بلکه نقطه تلاقی رقابت‌های ژئوپلیتیکی، امنیت دریایی و وابستگی متقابل اقتصادهای جهان به شمار می‌آید.

در ادامه، گزارش با استفاده از نقشه‌ها و نمودارهای تعاملی، پیامدهای استمرار بحران در تنگه هرمز را برای مناطق مختلف جهان تشریح می‌کند. بر اساس این تحلیل، افزایش هزینه سوخت، کمبود برخی کالاهای اساسی، فشار بر صنایع وابسته به انرژی و تشدید ناامنی غذایی از مهم‌ترین آثار احتمالی اختلال در این گذرگاه دریایی است. همچنین تاکید می‌شود که تنگه هرمز به یکی از اهرم‌های مهم در مذاکرات و رقابت‌های سیاسی میان بازیگران درگیر تبدیل شده و بازگشت پایدار جریان کشتیرانی، علاوه بر اقدامات امنیتی، به پیشرفت روندهای دیپلماتیک و کاهش تنش‌های منطقه‌ای وابسته است.

چرا تلاش‌های مالی آمریکا برای باز نگه داشتن تنگه هرمز ناکام می‌ماند؟

موسسه نیروهای مسلح متحده سلطنتی (راسی) – 2 آوریل 2026

این یادداشت توضیح می‌دهد که دولت آمریکا در جریان بحران تنگه هرمز کوشید با استفاده از ابزارهای مالی، از جمله ارائه بیمه مخاطرات جنگ و تضمین‌های دولتی برای شرکت‌های کشتیرانی و انرژی، عبور کشتی‌ها از این آبراه را حفظ کند. با اینحال، نویسنده استدلال می‌کند که این ابتکار نتوانست اعتماد بازار را بازگرداند، زیرا شرکت‌های حمل‌ونقل و خدمه کشتی‌ها حاضر نبودند صرفاً در ازای پوشش بیمه‌ای وارد منطقه‌ای با خطر بالای حملات شوند. از دید مقاله، در تنگه هرمز ادراک ریسک امنیتی بر مشوق‌های مالی غلبه کرده است و تداوم جریان آزاد کشتیرانی بیش از هر چیز به کاهش واقعی تهدیدهای عملیاتی وابسته بود.

مقاله چهار عامل را در ناکامی این سیاست برجسته می‌کند: بی‌اثر شدن برنامه بیمه دولتی، افزایش فشارهای مالی بر بازارهای آمریکا، نگرانی‌های نظامی درباره مصرف سریع مهمات و محدودیت‌های بودجه‌ای دولت. نویسنده نتیجه می‌گیرد که باز نگه داشتن تنگه هرمز تنها با ابزارهای اقتصادی امکان‌پذیر نیست و امنیت این گذرگاه به مجموعه‌ای از عوامل نظامی، مالی و سیاسی وابسته است. همچنین استدلال می‌شود که تجربه بحران هرمز می‌تواند بر نحوه برنامه‌ریزی قدرت‌های بزرگ برای مدیریت سایر گلوگاه‌های راهبردی دریایی در آینده نیز تاثیر بگذارد و نشان دهد که اعتماد بازار و فعالان کشتیرانی به‌سادگی با تضمین‌های مالی بازسازی نمی‌شود.

عبور از تنگه هرمز

موسسه مطالعات راهبردی بین‌الملل – 15 ژوئن 2026

این یادداشت تحلیلی، تنگه هرمز را مهم‌ترین گلوگاه دریایی بحران معرفی می‌کند و استدلال دارد که با تشدید درگیری‌ها، هیچ گزینه نظامی سریع و کم‌هزینه‌ای برای بازگشایی کامل این آبراه وجود ندارد. نویسنده توضیح می‌دهد که ویژگی‌های جغرافیایی تنگه، نزدیکی مسیرهای کشتیرانی به سواحل ایران، تهدیدهای نامتقارن و تراکم بالای تردد تجاری، هرگونه عملیات نظامی برای تضمین عبور ایمن کشتی‌ها را بسیار پیچیده می‌کند. همچنین تاکید می‌شود که حتی برتری دریایی قدرت‌های بزرگ نیز به‌تنهایی قادر به حذف کامل تهدیدها یا بازگرداندن فوری اعتماد شرکت‌های کشتیرانی و بازارهای انرژی نخواهد بود.

مقاله بیان می‌کند که مدیریت بحران در تنگه هرمز نیازمند ترکیبی از بازدارندگی نظامی، هماهنگی بین‌المللی و راهکارهای سیاسی است و اتکا به عملیات دریایی به‌تنهایی نمی‌تواند امنیت پایدار ایجاد کند. از دید نویسنده، استمرار ناامنی در این گذرگاه آثار فراتر از منطقه دارد و می‌تواند زنجیره تامین جهانی، بازار انرژی، بیمه دریایی و تجارت بین‌المللی را تحت تاثیر قرار دهد. در نتیجه، تنگه هرمز نه‌تنها یک مسیر حیاتی انتقال انرژی، بلکه صحنه‌ای برای رقابت راهبردی، محاسبات بازدارندگی و سنجش توان بازیگران در مدیریت بحران‌های ژئوپلیتیکی محسوب می‌شود.

قمار ترکیه در عراق در میانه بحران تنگه هرمز

موسسه نیروهای مسلح متحده سلطنتی (راسی) – 28 می 2026

این یادداشت توضیح می‌دهد که بحران تنگه هرمز و اختلال در صادرات نفت و تجارت دریایی، عراق را با فشارهای امنیتی و اقتصادی همزمان روبه‌رو کرده است و در چنین شرایطی، ترکیه می‌کوشد روابط خود با بغداد را به سطحی راهبردی ارتقا دهد. نویسندگان بیان می‌کنند که با دشوار شدن تردد از مسیر تنگه هرمز، آنکارا تلاش دارد از طریق توسعه همکاری‌های امنیتی، پروژه‌های زیرساختی، تجارت و کریدورهای حمل‌ونقل، جایگاه خود را به‌عنوان مسیر جایگزین ارتباط عراق با بازارهای منطقه‌ای و اروپا تقویت کند. در این چارچوب، بحران تنگه هرمز نه‌تنها یک چالش امنیتی، بلکه فرصتی برای بازآرایی مسیرهای ترانزیتی و موازنه‌های ژئوپلیتیکی منطقه تلقی می‌شود.

مقاله تشریح می‌کند که استمرار ناامنی در تنگه هرمز، اهمیت خط لوله جیهان، کریدور توسعه عراق-ترکیه و سایر مسیرهای زمینی را افزایش داده و انگیزه آنکارا برای گسترش نفوذ اقتصادی و امنیتی در عراق را تقویت کرده است. همچنین به نقش گروه‌های مسلح، رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و تلاش دولت عراق برای حفظ ثبات داخلی اشاره می‌شود و تاکید می‌گردد که موفقیت راهبرد ترکیه به همکاری بغداد، وضعیت اقلیم کردستان، امنیت زیرساخت‌های انرژی و روند کاهش تنش‌های منطقه‌ای وابسته است. از این منظر، بحران تنگه هرمز محرکی برای تغییر الگوهای تجارت و انرژی و بازتعریف نقش عراق و ترکیه در شبکه‌های ارتباطی منطقه به شمار می‌رود.

اعزام کشتی‌های بریتانیا برای «نظارت بر تنگه هرمز» یک خیال‌پردازی است

موسسه نیروهای مسلح متحده سلطنتی (راسی) – 11 آوریل 2026

این گزارش که بازتاب دیدگاه کارشناسان موسسه RUSI در رسانه بریتانیایی ایندپندنت است، به بحث درباره امکان اعزام ناوهای جنگی بریتانیا برای حفاظت و نظارت بر تنگه هرمز می‌پردازد. کارشناسان مطرح می‌کنند که کنترل و تأمین امنیت این آبراه راهبردی، عملیاتی بسیار پیچیده‌تر از اعزام چند شناور نظامی است؛ زیرا تنگه هرمز محیطی محدود، پرتراکم و آسیب‌پذیر در برابر تهدیدهای مختلف مانند حملات نامتقارن، مین‌های دریایی و موشک‌های ضدکشتی محسوب می‌شود. از این دیدگاه، حضور نظامی بریتانیا به‌تنهایی نمی‌تواند تضمین‌کننده عبور آزاد کشتی‌ها باشد و موفقیت هر مأموریت دریایی به توانمندی ائتلافی، اطلاعاتی، لجستیکی و سیاسی گسترده نیاز دارد.

تحلیل کارشناسان بر محدودیت‌های ساختاری نیروی دریایی بریتانیا و دشواری حفظ یک حضور نظامی پایدار در منطقه خلیج فارس تمرکز دارد. آنها اشاره می‌کنند که امنیت تنگه هرمز صرفاً مسئله اسکورت کشتی‌ها نیست، بلکه شامل ایجاد آگاهی اطلاعاتی مشترک، هماهنگی میان متحدان، مقابله با تهدیدهای پراکنده و بازگرداندن اعتماد شرکت‌های کشتیرانی و بیمه‌گران است. در این چارچوب، بحران در تنگه هرمز نشان می‌دهد که حفاظت از یک گذرگاه دریایی حیاتی نیازمند ترکیبی از قدرت نظامی، ظرفیت اقتصادی و راهکارهای دیپلماتیک است و هیچ کشور منفردی نمی‌تواند به‌تنهایی امنیت پایدار این آبراه را تضمین کند.

چگونه می‌توان از تنگه هرمز حفاظت کرد؟

موسسه نیروهای مسلح متحده سلطنتی (راسی) – 12 مارس 2026

این گزارش با استناد به دیدگاه یکی از کارشناسان دریایی موسسه RUSI توضیح می‌دهد که حفاظت از تنگه هرمز تنها به حضور ناوهای جنگی محدود نمی‌شود، بلکه مستلزم ایجاد شرایطی است که امکان پاکسازی تهدیدها و تداوم ایمن کشتیرانی را فراهم کند. به گفته وی، اگر مین‌های دریایی در آبراه کار گذاشته شوند، عملیات پاکسازی آن بدون ایجاد یک «حباب امنیتی» برای محافظت از شناورهای مین‌روب بسیار پرهزینه و پرخطر خواهد بود. همچنین تأکید می‌شود که به همین دلیل، نیروهای دریایی در حال توسعه سامانه‌های خودکار و بدون سرنشین برای مقابله با تهدیدهای دریایی هستند، هرچند بسیاری از این فناوری‌ها هنوز به مرحله بهره‌برداری عملیاتی کامل نرسیده‌اند.

همچنین، گزارش نشان می‌دهد که امنیت پایدار تنگه هرمز نیازمند مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ نظامی، فنی و اطلاعاتی است و هیچ راهکار سریع یا منفردی برای تضمین آزادی کشتیرانی وجود ندارد. نویسنده بر این نکته تأکید می‌کند که پیش از آغاز عملیات مین‌روبی، باید تهدید ناشی از آتش دشمن و سایر مخاطرات کاهش یابد تا نیروهای تخصصی بتوانند مأموریت خود را انجام دهند. از این منظر، حفاظت از تنگه هرمز به برنامه‌ریزی مشترک، پشتیبانی چندلایه و به‌کارگیری فناوری‌های نوین وابسته است و موفقیت آن، علاوه بر توانایی نظامی، به مدیریت ریسک و هماهنگی میان بازیگران مختلف نیز بستگی دارد.

بحران بعدی تنگه هرمز می‌تواند حتی وخیم‌تر باشد

چتم‌هاوس – 17 ژوئن 2026

این یادداشت هشدار می‌دهد که حتی اگر توافق سیاسی میان ایران و ایالات متحده آمریکا موجب کاهش موقت تنش‌ها و بازگشایی تنگه هرمز شود، عوامل اصلی ایجاد بحران همچنان پابرجا خواهند ماند و احتمال بروز اختلال‌های جدید در آینده وجود دارد. نویسنده توضیح می‌دهد که ایران همچنان توانایی ایجاد اختلال در عبور و مرور دریایی را حفظ می‌کند و در صورت هم‌زمانی بحران تنگه هرمز با ناامنی در تنگه باب‌المندب، شبکه تجارت و انرژی جهانی با فشار بی‌سابقه‌ای روبرو خواهد شد. در این تحلیل، وابستگی اقتصاد جهانی به این دو گلوگاه دریایی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین آسیب‌پذیری‌های ژئوپلیتیکی معاصر معرفی می‌شود.

همچنین، مقاله تأکید می‌کند که تجربه بحران اخیر نشان داده است بازگشایی تنگه هرمز به‌تنهایی برای بازگرداندن ثبات کافی نیست، زیرا هزینه‌های بیمه، ریسک سرمایه‌گذاری و نگرانی شرکت‌های کشتیرانی ممکن است برای مدت طولانی ادامه یابد. همچنین با اشاره به نقش مسیرهای جایگزین و محدودیت ظرفیت آنان، نویسنده استدلال می‌کند که جهان باید

برای افزایش تاب‌آوری زنجیره‌های تامین انرژی، تنوع‌بخشی به مسیرهای حمل‌ونقل و تقویت همکاری‌های بین‌المللی برنامه‌ریزی کند. از این منظر، بحران آینده تنگه هرمز می‌تواند ابعاد اقتصادی و راهبردی گسترده‌تری نسبت به بحران‌های گذشته داشته باشد، به‌ویژه اگر همزمان با اختلال در سایر گذرگاه‌های مهم دریایی رخ دهد.

حتی بازگشایی تنگه هرمز نیز آسیب‌پذیری اصلی انرژی اروپا را برطرف نخواهد کرد

چتم‌هاوس – 18 ژوئن 2026

نویسنده در این یادداشت استدلال می‌کند که بازگشایی تنگه هرمز، هرچند می‌تواند بخشی از فشارهای کوتاه‌مدت بر بازار انرژی را کاهش دهد، اما مشکل بنیادین امنیت انرژی اروپا را حل نخواهد کرد. نویسنده توضیح می‌دهد که وابستگی بالای اروپا به گاز طبیعی، به‌ویژه گاز طبیعی مایع (LNG)، این قاره را همچنان در برابر نوسانات ژئوپلیتیکی، اختلال در مسیرهای دریایی و افزایش قیمت‌ها آسیب‌پذیر نگه می‌دارد. از این منظر، بحران تنگه هرمز صرفاً یکی از عوامل آشکارکننده ضعف ساختاری نظام انرژی اروپا است و حتی در صورت ازسرگیری کامل کشتیرانی، هزینه‌های انرژی و ریسک بازار ممکن است در سطوح بالایی باقی بماند.

نویسنده در ادامه تاکید می‌کند که راهکار پایدار برای کاهش آثار بحران‌های احتمالی در تنگه هرمز، افزایش عرضه گاز نیست، بلکه کاهش تقاضا از طریق توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، برقی‌سازی بخش‌های مختلف اقتصاد، بهبود بهره‌وری انرژی و تقویت زیرساخت‌های ذخیره‌سازی است. نویسنده نتیجه می‌گیرد که تجربه بحران در تنگه هرمز نشان داده امنیت انرژی اروپا بیش از آنکه به باز یا بسته بودن یک گذرگاه دریایی وابسته باشد، به میزان وابستگی آن به سوخت‌های فسیلی بستگی دارد. بنابراین، کاهش مصرف گاز و تنوع‌بخشی به منابع انرژی، راهبردی موثرتر برای افزایش تاب‌آوری اروپا در برابر بحران‌های آینده تلقی می‌شود.

ایران و موازنه جدید قدرت در خلیج فارس

چتم‌هاوس – 11 ژوئن 2026

نویسنده در این یادداشت بررسی می‌کند که جنگ اخیر، محیط امنیتی خلیج‌فارس را وارد مرحله‌ای تازه کرده و موازنه قدرت منطقه‌ای را دستخوش تغییر ساخته است. نویسنده استدلال می‌کند که با وجود آسیب‌های نظامی، ایران تلاش خواهد کرد توان بازدارندگی خود را بر پایه قابلیت ایجاد فشار در تنگه هرمز و تاثیرگذاری بر امنیت کشورهای حاشیه خلیج‌فارس بازسازی کند. از این منظر، بازسازی ظرفیت‌های موشکی، پهپادی و شبکه‌های تامین تجهیزات نظامی در اولویت قرار خواهد گرفت و تجربه بحران در تنگه هرمز به یکی از عناصر اصلی محاسبات راهبردی تهران تبدیل می‌شود. همچنین تاکید می‌شود که اهمیت ژئوپلیتیکی تنگه هرمز در معادلات امنیتی منطقه پس از جنگ بیش از گذشته برجسته شده است.

وی توضیح می‌دهد که کشورهای عربی حوزه خلیج‌فارس نیز در واکنش به این تحولات، راهبردهای امنیتی و دیپلماتیک خود را بازتنظیم خواهند کرد و احتمالاً به‌دنبال ایجاد توازن میان همکاری با قدرت‌های خارجی، تقویت توان دفاعی و کاهش تنش‌های منطقه‌ای خواهند بود. نویسنده نتیجه می‌گیرد که هر توافق احتمالی پایان جنگ، رقابت راهبردی پیرامون تنگه هرمز را از میان نخواهد برد، بلکه این آبراه همچنان به‌عنوان مهم‌ترین اهرم ژئوپلیتیکی و اقتصادی منطقه باقی خواهد ماند. در این چارچوب، آینده امنیت خلیج‌فارس بیش از هر چیز به نحوه مدیریت بازدارندگی، آزادی کشتیرانی و تعاملات سیاسی میان بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای وابسته خواهد بود.

تنگه هرمز، کشتیرانی و حقوق بین‌الملل

چتم‌هاوس – 16 آوریل 2026

این یادداشت به بررسی جایگاه حقوقی تنگه هرمز در چارچوب حقوق بین‌الملل دریاها می‌پردازد و توضیح می‌دهد که این آبراه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تنگه‌های بین‌المللی، از رژیم حقوقی ویژه «عبور ترانزیتی» برخوردار است. نویسنده با اشاره به کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها (UNCLOS) بیان می‌کند که آزادی تردد کشتی‌ها و هواپیماها از

تنگه هرمز از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل دریایی محسوب می‌شود و این رژیم حقوقی برای حفظ جریان تجارت جهانی و امنیت کشتیرانی طراحی شده است. همچنین مقاله به تفاوت میان «عبور ترانزیتی» و «عبور بی‌ضرر» پرداخته است و نقش تنگه هرمز را به‌عنوان یک گذرگاه حیاتی برای تمامی کشورهای دریانورد برجسته می‌کند.

همچنین، مقاله به چالش‌های اجرای این قواعد در شرایط بحران می‌پردازد و توضیح می‌دهد که اگرچه حقوق بین‌الملل اصل آزادی عبور از تنگه هرمز را به رسمیت می‌شناسد، اجرای عملی آن به وضعیت امنیتی و رفتار دولت‌های ساحلی و کاربران این آبراه نیز وابسته است. نویسنده تأکید می‌کند که حتی در صورت وجود اختلافات سیاسی یا نظامی، محدودیت بر کشتیرانی در تنگه هرمز می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای برای تجارت جهانی، بازار انرژی و ثبات منطقه‌ای داشته باشد. در نتیجه، حفظ امنیت و آزادی کشتیرانی در این گذرگاه مستلزم رعایت قواعد حقوق بین‌الملل، همکاری میان دولت‌ها و کاهش تنش‌های ژئوپلیتیکی است.

چرا پاک‌سازی مین‌های تنگه هرمز دشوار است؛ اما در عین حال یک فرصت نیز ایجاد می‌کند

چتم‌هاوس – 26 ژوئن 2026

این یادداشت توضیح می‌دهد که بازگشایی کامل تنگه هرمز پس از بحران، تنها با رفع محدودیت‌های سیاسی امکان‌پذیر نیست و پاک‌سازی مین‌های دریایی به یکی از پیچیده‌ترین مراحل بازگرداندن امنیت کشتیرانی تبدیل خواهد شد. نویسنده اشاره می‌کند که نوع مین‌های به‌کاررفته، دشواری شناسایی آنان، تراکم ترافیک دریایی، تغییر مسیر کشتی‌ها و اختلال در سامانه‌های ناوبری، عملیات مین‌روبی را به مأموریتی زمان‌بر و پرخطر تبدیل می‌کند. همچنین تأکید می‌شود که بازگشت تردد به سطح عادی، علاوه بر پاک‌سازی آبراه، به کاهش ریسک بیمه، بازسازی اعتماد شرکت‌های کشتیرانی و ایجاد اطمینان نسبت به امنیت پایدار تنگه هرمز وابسته است.

نویسنده علاوه بر آن، استدلال می‌کند که اگرچه مین‌روبی یک چالش فنی و نظامی است، اما می‌تواند به فرصتی برای اعتمادسازی و کاهش تنش میان بازیگران تبدیل شود. وی معتقد است که هیچ کشوری به‌تنهایی از توان یا مقبولیت کافی برای پاک‌سازی کامل تنگه هرمز را ندارد و این مأموریت مستلزم همکاری ایران، ایالات متحده آمریکا، کشورهای منطقه و شرکای بین‌المللی است. در نهایت، نتیجه‌گیری مقاله بر این نکته استوار است که امنیت پایدار تنگه هرمز نه صرفاً با فنآوری و تجهیزات مین‌روبی، بلکه با تداوم آتش‌بس، هماهنگی بین‌المللی و ایجاد سازوکارهای سیاسی برای جلوگیری از تکرار بحران در آینده تضمین خواهد شد.

ائتلاف دریایی در تنگه هرمز باید این درس‌ها را بیاموزد

چتم‌هاوس – 1 می 2026

این یادداشت بررسی می‌کند که هرگونه ائتلاف دریایی برای حفاظت از کشتیرانی در تنگه هرمز باید از تجربه مأموریت‌های بین‌المللی مقابله با دزدی دریایی در سواحل سومالی و حفاظت از تنگه مالاکا استفاده کند. نویسنده تأکید می‌کند که بازگرداندن امنیت به تنگه هرمز صرفاً با افزایش حضور نظامی امکان‌پذیر نیست، زیرا این آبراه را نمی‌توان تنها از طریق قدرت نظامی «باز» کرد. هدف اصلی چنین ائتلافی باید بازسازی اعتماد شرکت‌های کشتیرانی، بیمه‌گران و بازار انرژی باشد. از این منظر، موفقیت یک مأموریت دریایی در تنگه هرمز به طراحی مناسب ساختار فرماندهی، تقسیم مسئولیت‌ها، مدیریت تنش و ایجاد سازوکارهای پایدار امنیتی وابسته است.

مقاله پیشنهاد می‌کند که یک ائتلاف دریایی در هرمز باید دارای گروه‌های تخصصی شامل اسکورت کشتی‌ها، مقابله با مین‌های دریایی و افزایش آگاهی اطلاعاتی از محیط دریایی باشد. نویسنده بر اهمیت محدودسازی استفاده از زور، ایجاد نظام اسکورت چندلایه برای کشتی‌های پرخطر و مشارکت‌های کشورهای منطقه در ساختار امنیتی تأکید دارد. همچنین تجربه تنگه مالاکا نشان می‌دهد که امنیت بلندمدت زمانی پایدارتر خواهد بود که کشورهای ساحلی نقش اصلی را ایفا کنند. در آخر، همکاری با بخش خصوصی و شرکت‌های کشتیرانی برای تبادل اطلاعات و مدیریت ریسک، یکی از عناصر کلیدی موفقیت ائتلاف پیشنهادی معرفی می‌شود.

بحران انرژی ناشی از تنگه هرمز نشان می‌دهد رویکرد قیمت‌گذاری کرین اتحادیه اروپا صحیح است

این یادداشت استدلال می‌کند که بحران ناشی از اختلال در تنگه هرمز، وابستگی اروپا به واردات سوخت‌های فسیلی را بیش از پیش آشکار کرده و نشان داده است که نوسانات ژئوپلیتیکی می‌تواند امنیت انرژی و ثبات اقتصادی این قاره را به‌سرعت تحت تأثیر قرار دهد. نویسنده توضیح می‌دهد که افزایش قیمت نفت و گاز در پی ناامنی در تنگه هرمز، بار دیگر آسیب‌پذیری کشورهای وابسته به واردات انرژی را نمایان ساخته است. از این منظر، بحران در تنگه هرمز نه تنها یک رویداد امنیتی، بلکه هشدارى درباره هزینه‌های اقتصادی اتکا به سوخت‌های فسیلی و گلوگاه‌های راهبردى دریایی محسوب می‌شود.

نویسنده در این مقاله نتیجه می‌گیرد که کاهش این آسیب‌پذیری تنها با افزایش عرضه سوخت‌های فسیلی امکان‌پذیر نیست، بلکه توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، برقی‌سازی بخش‌های مختلف اقتصاد و استمرار سیاست‌های قیمت‌گذاری کربن می‌تواند وابستگی اروپا به مسیرهایی مانند تنگه هرمز را کاهش دهد. نویسنده تأکید می‌کند که سیاست‌های اقلیمی، علاوه بر کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، از منظر امنیت انرژی نیز اهمیت راهبردى دارند؛ زیرا هرچه سهم انرژی‌های داخلی و تجدیدپذیر افزایش یابد، تأثیر بحران‌های ژئوپلیتیکی و اختلال در گذرگاه‌هایی مانند تنگه هرمز بر اقتصاد اروپا محدودتر خواهد شد.

تامین امنیت تنگه هرمز در زمان جنگ: گزینه‌های نظامی و چالش‌های راهبردى

مرکز مطالعات راهبردى بین‌الملل – 18 مارس 2026

این نشست تخصصی موسسه IISS به بررسی گزینه‌های نظامی برای بازگرداندن امنیت کشتیرانی در تنگه هرمز در شرایط جنگی می‌پردازد و تأکید می‌کند که تضمین عبور ایمن کشتی‌ها بسیار فراتر از استقرار ناوهای جنگی یا اسکورت نفتکش‌ها است. کارشناسان توضیح می‌دهند که حملات به کشتی‌های تجاری، مین‌های دریایی، پهپادها، موشک‌ها و سایر تهدیدهای نامتعارف می‌توانند حتی بدون انسداد رسمی، تردد دریایی را تقریباً متوقف کنند. از این رو، چالش اصلی نه صرفاً باز نگه داشتن آبراه، بلکه بازگرداندن اعتماد شرکت‌های کشتیرانی، بیمه‌گران و بازارهای جهانی انرژی به امنیت تنگه هرمز است.

در ادامه، کارشناسان بیان می‌کنند که هر عملیات نظامی برای تامین امنیت تنگه هرمز مستلزم همکاری گسترده میان ایالات متحده آمریکا، کشورهای خلیج فارس، شرکای اروپایی و آسیایی و نیز بهره‌گیری از توان اطلاعاتی، دفاع هوایی، مین‌روبی و اسکورت دریایی است. با این حال، به دلیل موقعیت جغرافیایی تنگه، توانمندی‌های دریایی و هوایی ایران و پیچیدگی محیط عملیاتی، هیچ راهکار نظامی سریع و کم‌هزینه‌ای برای بازگرداندن آزادی کامل کشتیرانی وجود ندارد. در جمع‌بندی نشست تأکید می‌شود که امنیت پایدار تنگه هرمز تنها از طریق ترکیبی از اقدامات نظامی، هماهنگی بین‌المللی، مدیریت ریسک و تلاش‌های سیاسی و دیپلماتیک قابل‌دستیابی خواهد بود.

آب‌های متلاطم در تنگه هرمز

مرکز مطالعات راهبردى بین‌الملل – 19 مارس 2026

این یادداشت به بررسی دشواری‌های تشکیل یک ائتلاف بین‌المللی برای حفظ یا بازگشایی تنگه هرمز در شرایط بحران می‌پردازد و توضیح می‌دهد که این آبراه از نظر راهبردى با سایر گلوگاه‌های دریایی تفاوت اساسی دارد. نویسنده تأکید می‌کند که تنگه هرمز تنها مسیر دریایی خروج نفت و گاز کشورهای حوزه خلیج فارس است و ظرفیت خطوط لوله جایگزین تنها بخشی از حجم معمول انتقال انرژی را پوشش می‌دهد. همچنین با اشاره به ویژگی‌های جغرافیایی تنگه و وابستگی بازارهای جهانی به آن، بیان می‌شود که هرگونه اختلال در عبور کشتی‌ها می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای برای تجارت، بازار انرژی و زنجیره‌های تامین جهانی به همراه داشته باشد.

نویسنده در ادامه توضیح می‌دهد که چالش اصلی در تنگه هرمز، مقابله با تهدیدهای نامتعارف از جمله موشک‌های ساحل‌به‌دریا، پهپادها، شناورهای تندرو و مین‌های دریایی است؛ تهدیدهایی که حتی در صورت تضعیف توان متعارف دریایی ایران نیز می‌توانند امنیت کشتیرانی را مختل کنند. نویسنده همچنین به ملاحظات سیاسی کشورهای اروپایی و آسیایی برای مشارکت در عملیات دریایی اشاره می‌کند و نتیجه می‌گیرد که تشکیل یک ائتلاف موثر، به دلیل اختلافات سیاسی، محدودیت‌های نظامی و پیچیدگی محیط عملیاتی، فرآیندی زمان‌بر خواهد بود. از این منظر، بازگشت پایدار

امنیت به تنگه هرمز نه تنها به اقدامات نظامی، بلکه به کاهش تنش های سیاسی و بازیابی اعتماد شرکت های کشتیرانی و بیمه گران نیز وابسته است.

ابتکار هرمز برای حفاظت از امنیت غذایی جهان

گروه بحران – 30 مارس 2026

این بیانیه که از سوی گروه بحران بین الملل و جمعی از شخصیت های برجسته بین المللی منتشر شده است، هشدار می دهد که اختلال در تنگه هرمز تنها بازارهای انرژی را تحت تاثیر قرار نمی دهد، بلکه امنیت غذایی جهان را نیز با تهدیدی جدی مواجه می کند. نویسندگان توضیح می دهند که بخش قابل توجهی از صادرات کودهای شیمیایی، مواد اولیه کشاورزی و نهاده های تولید غذا از مسیر تنگه هرمز عبور می کند و هرگونه محدودیت در این آبراه می تواند موجب افزایش هزینه تولید، کاهش بهره وری کشاورزی و رشد قیمت مواد غذایی شود. از این رو، بحران در تنگه هرمز به عنوان مسئله ای فراتر از امنیت دریایی و دارای پیامدهای گسترده انسانی و اقتصادی توصیف می شود.

همچنین، بیانیه پیشنهاد می کند که با الگوبرداری از «ابتکار غلات دریای سیاه» در سال ۲۰۲۲، سازوکاری بین المللی برای تضمین عبور ایمن مواد غذایی، کودهای شیمیایی و نهاده های کشاورزی از تنگه هرمز ایجاد شود. نویسندگان تاکید دارند که این ابتکار ماهیتی بشردوستانه داشته و هدف آن کاهش آثار بحران بر کشورهای واردکننده غذا، به ویژه کشورهای کم درآمد و آسیب پذیر است. همچنین استدلال می شود که حفاظت از جریان کالاهای اساسی از طریق همکاری دیپلماتیک و هماهنگی میان طرف های درگیر، می تواند از گسترش بحران غذایی جهانی جلوگیری کند و آثار اقتصادی و انسانی ناشی از اختلال در تنگه هرمز را کاهش دهد.

بازی هرمز: چگونه می توان به بحران امریکا و ایران در تنگه پایان داد؟

شورای روابط خارجی اروپا – 23 مارس 2026

این یادداشت بحران تنگه هرمز را مهم ترین عامل تشدید تنش میان ایران و ایالات متحده آمریکا معرفی می کند و هشدار می دهد که هرگونه حمله گسترده به زیرساخت های انرژی ایران می تواند به اختلال کامل در عبور و مرور از این آبراه و تشدید بحران جهانی انرژی منجر شود. نویسندگان توضیح می دهند که تنگه هرمز تنها یک مسیر انتقال انرژی نیست، بلکه به کانون اصلی رقابت راهبردی دو طرف تبدیل شده است؛ به گونه ای که ادامه درگیری، آثار فراتر از منطقه بر بازارهای جهانی، قیمت انرژی و امنیت کشتیرانی خواهد داشت. در این چارچوب، مقاله بر ضرورت کاهش تنش و جلوگیری از گسترش بحران در این گذرگاه راهبردی تاکید می کند.

علاوه بر این، نویسنده در این مقاله پیشنهاد می کند که کشورهای اروپایی با تشکیل یک ائتلاف گسترده بین المللی و مشارکت بازیگرانی مانند چین، هند، عمان، قطر، عربستان سعودی، ترکیه و اندونزی، زمینه برقراری آتش بس و حفظ آزادی کشتیرانی در تنگه هرمز را فراهم کنند. همچنین بر ایجاد سازوکاری برای عبور ایمن محموله های غذایی و کودهای شیمیایی، استقرار نیروهای دریایی برای اسکورت کشتی ها و مین روبی پس از آتش بس و حمایت از یک توافق سیاسی بلندمدت میان ایران و آمریکا تاکید می شود. نویسندگان در نهایت نتیجه می گیرند که امنیت پایدار تنگه هرمز تنها از طریق ترکیب اقدامات دیپلماتیک، همکاری چندجانبه و ترتیبات امنیتی مشترک قابل تحقق است.

فراتر از تنگه هرمز: اروپا چگونه می تواند آینده امنیت انرژی خود را تضمین کند؟

شورای روابط خارجی اروپا – 9 آوریل 2026

این یادداشت استدلال می کند که بحران تنگه هرمز نشان داده امنیت انرژی اروپا همچنان به تحولات ژئوپلیتیکی در گذرگاه های راهبردی دریایی وابسته است و بازگشایی این آبراه به تنهایی آسیب پذیری های بلندمدت را برطرف نخواهد کرد. نویسندگان توضیح می دهند که اختلال در تنگه هرمز می تواند جریان نفت و گاز طبیعی مایع (LNG) را مختل کند و علاوه بر افزایش قیمت انرژی، بر بازار کودهای شیمیایی، صنایع پتروشیمی و زنجیره های تامین نیز اثر بگذارد.

از این منظر، بحران در تنگه هرمز هشدار برای بازنگری در سیاست‌های انرژی اروپا و کاهش وابستگی به مسیرهای پرریسک انتقال انرژی محسوب می‌شود.

نویسندگان همچنین پیشنهاد می‌کند که اروپا برای افزایش تاب‌آوری خود، راهبردی بلندمدت بر پایه توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، تقویت واردات متنوع گاز طبیعی مایع، گسترش ظرفیت ذخیره‌سازی، استفاده از انرژی هسته‌ای و کاهش وابستگی به نفت در بخش حمل‌ونقل دنبال کند. نویسندگان تاکید می‌کنند که بحران تنگه هرمز نباید صرفاً به‌عنوان یک رویداد موقت تلقی شود، بلکه باید انگیزه‌ای برای ایجاد یک نظام انرژی متنوع‌تر و مقاوم‌تر باشد. در جمع‌بندی، نتیجه گرفته می‌شود که امنیت انرژی اروپا در آینده بیش از آنکه به باز بودن دائمی تنگه هرمز وابسته باشد، به توانایی این قاره در تنوع‌بخشی به منابع انرژی و کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی بستگی خواهد داشت.

دور زدن تنگه‌ها: کریدور هند-خاورمیانه-اروپا به بازطراحی برای شرایط جنگی نیاز دارد

شورای روابط خارجی اروپا – 22 می 2026

این یادداشت استدلال می‌کند که جنگ اخیر و بحران در تنگه هرمز نشان داده‌اند کریدور اقتصادی هند-خاورمیانه-اروپا – ایمک (IMEC) بر مبنای فرض ثبات منطقه‌ای طراحی شده و در برابر درگیری‌های نظامی و تهدید گلوگاه‌های دریایی آسیب‌پذیر است. نویسندگان توضیح می‌دهند که هرگونه اختلال در تنگه هرمز یا سایر گذرگاه‌های مهم دریایی می‌تواند کارایی این کریدور را کاهش دهد و تجارت، انتقال انرژی و زنجیره‌های تامین میان آسیا و اروپا را با مشکل مواجه سازد. از این منظر، بحران هرمز تنها یک تهدید امنیتی نیست، بلکه ضرورت بازنگری در طراحی زیرساخت‌ها و مسیرهای ترانزیتی منطقه را نیز آشکار کرده است.

همچنین، در این یادداشت پیشنهاد می‌شود که اروپا و شرکای منطقه‌ای، کریدور هند-خاورمیانه-اروپا را با در نظر گرفتن شرایط جنگی و مخاطرات ژئوپلیتیکی بازطراحی کنند. این بازطراحی شامل توسعه مسیرهای جایگزین، افزایش ظرفیت حمل‌ونقل ریلی و زمینی، تقویت زیرساخت‌های بندری، ایجاد انعطاف در شبکه‌های لجستیکی و حفاظت بهتر از خطوط انتقال انرژی و داده است. نویسندگان نتیجه می‌گیرند که آینده این کریدور نباید صرفاً بر کارایی اقتصادی استوار باشد، بلکه باید تاب‌آوری در برابر بحران‌هایی مانند ناامنی در تنگه هرمز، حملات به زیرساخت‌های دریایی و اختلال در تجارت بین‌المللی نیز به یکی از اصول اصلی طراحی آن تبدیل شود.

چرا چین، نه روسیه، می‌تواند برنده واقعی جنگ ایران باشد

شورای روابط خارجی اروپا – 24 مارس 2026

این یادداشت استدلال می‌کند که برخلاف تصور اولیه، افزایش قیمت جهانی نفت لزوماً بزرگترین منفعت را برای روسیه به همراه ندارد، زیرا درآمدهای بیشتر نفتی به‌تنهایی قادر به جبران مشکلات ساختاری اقتصاد و کسری بودجه این کشور نیست. در مقابل، چین اگرچه در کوتاه‌مدت از اختلال در تنگه هرمز و کاهش امنیت مسیرهای انتقال انرژی آسیب می‌بیند، اما ظرفیت بالای ذخایر انرژی، توانایی مدیریت زنجیره‌های تامین و نفوذ اقتصادی گسترده آن می‌تواند آثار این شوک را کنترل کند. نویسنده تاکید می‌کند که بحران تنگه هرمز، علاوه بر افزایش ریسک تجارت جهانی، فرصت‌هایی را نیز برای چین در بازتعریف جایگاه اقتصادی و دیپلماتیک خود فراهم می‌سازد.

همچنین، وی توضیح می‌دهد که طولانی‌تر شدن بحران در تنگه هرمز می‌تواند وابستگی بسیاری از کشورها به سرمایه‌گذاری، تامین مالی و زیرساخت‌های جایگزین چین را افزایش دهد و به گسترش نفوذ ژئواقتصادی پکن در آسیا، خاورمیانه و اروپا بینجامد. نویسنده همچنین اشاره می‌کند که درحالی‌که روسیه عمدتاً از افزایش موقت قیمت انرژی سود می‌برد، چین این امکان را دارد که از بی‌ثباتی بازارهای جهانی برای تعمیق روابط تجاری، توسعه مسیرهای جایگزین حمل‌ونقل و تقویت ابتکارات راهبردی خود بهره بگیرد. از این منظر، اهمیت تنگه هرمز در این تحلیل صرفاً به انتقال نفت محدود نمی‌شود، بلکه به‌عنوان عاملی موثر در تغییر موازنه اقتصادی و ژئوپلیتیکی میان قدرت‌های بزرگ مورد توجه قرار گرفته است.

امارات متحده عربی پس از جنگ و بازآفرینی سیاست در خلیج فارس

این یادداشت بررسی می‌کند که جنگ اخیر، رویکرد راهبردی امارات متحده عربی را نسبت به امنیت منطقه و روابط با ایران دگرگون کرده است. نویسنده استدلال می‌کند که ابوظبی پس از حملات به زیرساخت‌های خود، سیاست پیشین مبتنی بر کاهش تنش با ایران را ناکافی ارزیابی کرده و به سمت خودمختاری راهبردی، تقویت همکاری‌های امنیتی با ایالات متحده آمریکا و اسرائیل و ایفای نقشی فعال‌تر در معادلات منطقه‌ای حرکت کرده است. در این چارچوب، امنیت خلیج فارس و تنگه هرمز بیش از گذشته به یکی از اولویت‌های سیاست خارجی امارات تبدیل شده و این کشور در پی کاهش آسیب‌پذیری خود در برابر بحران‌های دریایی و اختلال در مسیرهای انرژی است.

تحولات پس از جنگ می‌تواند ساختار سنتی همکاری میان کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را نیز تغییر دهد. به باور نویسنده، امارات با تکیه بر سرمایه‌گذاری در فناوری، توسعه زیرساخت‌های آمادی، تنوع‌بخشی به اقتصاد و گسترش ائتلاف‌های امنیتی، در صدد ایفای نقشی محوری در نظم جدید منطقه‌ای است. از این منظر، هرگونه بحران در تنگه هرمز نه تنها بر صادرات انرژی، بلکه بر محاسبات سیاسی، تجاری و امنیتی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس نیز تاثیر مستقیم خواهد گذاشت و مدیریت این آبراه همچنان یکی از عوامل تعیین‌کننده موازنه قدرت در منطقه باقی خواهد ماند.

امنیت انرژی در بحبوحه بی‌ثباتی ژئوپلیتیکی: درس‌هایی از شوک تنگه هرمز در سال ۲۰۲۶

بروخل – 23 جولای 2026

این مقاله، بحران تنگه هرمز در سال ۲۰۲۶ را یکی از مهم‌ترین آزمون‌های امنیت انرژی در دهه‌های اخیر معرفی می‌کند و نشان می‌دهد که اختلال در این گذرگاه راهبردی، فراتر از بازار نفت، زنجیره‌های تامین گاز طبیعی مایع (LNG)، کودهای شیمیایی و حمل‌ونقل دریایی را نیز تحت تاثیر قرار داده است. نویسنده توضیح می‌دهد که افزایش شدید قیمت انرژی، رشد هزینه‌های حمل‌ونقل و فشار بر اقتصادهای واردکننده، بار دیگر وابستگی کشورها به تنگه هرمز را آشکار ساخت. از این منظر، بحران در تنگه هرمز تنها یک شوک موقتی نبود، بلکه ضعف‌های ساختاری نظام انرژی جهانی و آسیب‌پذیری آن در برابر تنش‌های ژئوپلیتیکی را نمایان کرد.

نویسنده ادامه می‌دهد افزایش تاب‌آوری در برابر بحران‌های مشابه، مستلزم رویکردی جامع شامل تنوع‌بخشی به منابع و مسیرهای واردات انرژی، توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، تقویت زیرساخت‌های ذخیره‌سازی، بهبود بهره‌وری انرژی و هماهنگی بیشتر میان دولت‌ها در مدیریت بحران است. نویسنده نتیجه می‌گیرد که تجربه تنگه هرمز نشان داده است که امنیت انرژی تنها به میزان عرضه وابسته نیست، بلکه به انعطاف‌پذیری نظام‌های انرژی، آمادگی سیاست‌گذاران و توانایی اقتصادها در سازگاری با اختلال‌های ناگهانی نیز بستگی دارد. بنابراین، درس اصلی بحران هرمز، ضرورت کاهش وابستگی به گلوگاه‌های راهبردی و افزایش مقاومت بلندمدت اقتصادها در برابر شوک‌های ژئوپلیتیکی است.

دولت‌های اروپایی چگونه به بحران کنونی انرژی واکنش نشان می‌دهند؟

بروخل – 4 می 2026

نویسنده در این یادداشت توضیح می‌دهد که با تشدید بحران ناشی از اختلال در تنگه هرمز و افزایش قیمت نفت و گاز، دولت‌های اروپایی بار دیگر به استفاده از ابزارهای مالی برای کاهش فشار بر خانوارها و بنگاه‌های اقتصادی روی آورده‌اند. نویسنده بیان می‌کند که بسته‌های حمایتی شامل یارانه انرژی، کاهش مالیات بر سوخت و برق، کمک‌های مستقیم به اقشار آسیب‌پذیر و حمایت از صنایع انرژی‌بر، مهم‌ترین واکنش‌های کوتاه‌مدت کشورهای اروپایی بوده است. از این منظر، بحران تنگه هرمز بار دیگر وابستگی اروپا به واردات سوخت‌های فسیلی از مسیرهای راهبردی دریایی را آشکار کرده و نشان داده است که نوسانات ژئوپلیتیکی می‌تواند آثار اقتصادی گسترده‌ای بر کشورهای اروپایی بر جای بگذارد.

همچنین، نویسنده در ادامه یادداشت تاکید می‌کند که اگرچه این اقدامات مالی می‌توانند بخشی از فشارهای فوری را کاهش دهند، اما هزینه سنگینی بر بودجه دولت‌ها تحمیل می‌کنند و راحلی پایدار برای بحران‌های ناشی از تنگه هرمز نیستند. نویسنده نتیجه می‌گیرد که اروپا برای افزایش امنیت انرژی باید علاوه بر مدیریت کوتاه‌مدت بازار، وابستگی خود به سوخت‌های فسیلی و گلوگاه‌هایی مانند تنگه هرمز را کاهش دهد. در این چارچوب، توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر،

بهبود بهره‌وری انرژی، تنوع‌بخشی به منابع واردات و تقویت زیرساخت‌های انرژی، به‌عنوان مهمترین راهبردهای بلندمدت برای افزایش تاب‌آوری اروپا در برابر شوک‌های ژئوپلیتیکی معرفی می‌شوند.

آزادی کشتیرانی در تنگه هرمز: اتحادیه اروپا دو فرد و یک نهاد را در فهرست تحریم‌ها قرار داد

شورای روابط خارجی اروپا – 8 ژوئن 2026

این بیانیه شورای اتحادیه اروپا اعلام می‌کند که این اتحادیه برای نخستین بار در چارچوب سازوکار جدید خود درباره «آزادی کشتیرانی»، دو فرد و یک نهاد را به‌دلیل آنچه نقش در اقدامات و سیاست‌های تهدیدکننده آزادی ناوبری در تنگه هرمز و خاورمیانه توصیف می‌کند، تحریم کرده است. در متن بیانیه تأکید می‌شود که آزادی عبور و مرور و «عبور ترانزیتی» از تنگه هرمز از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل دریایی است و هرگونه اقدامی که این حق را محدود کند، از دید اتحادیه اروپا مغایر با حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود. این تصمیم نخستین استفاده عملی از چارچوب حقوقی جدید اتحادیه اروپا برای مقابله با تهدیدهای علیه آزادی ناوبری در این آبراه راهبردی است.

در ادامه، بیانیه توضیح می‌دهد که این اقدامات محدودکننده شامل مسدودسازی دارایی‌ها در اتحادیه اروپا، ممنوعیت ارائه منابع مالی به افراد و نهادهای فهرست‌شده و ممنوعیت ورود اشخاص تحریم‌شده به کشورهای عضو اتحادیه است. اتحادیه اروپا همچنین بر اهمیت تداوم جریان آزاد کشتیرانی از تنگه هرمز برای امنیت انرژی، تجارت بین‌المللی و ثبات اقتصادی جهانی تأکید کرده و اعلام می‌کند که در صورت تداوم اقداماتی که از نظر این اتحادیه آزادی ناوبری را تهدید کند، آمادگی استفاده مجدد از این چارچوب تحریمی را خواهد داشت. این بیانیه، تنگه هرمز را یکی از مهمترین گذرگاه‌های راهبردی جهان معرفی می‌کند که امنیت آن از منظر اروپا دارای اهمیت ویژه است.

تنگه هرمز و عصر جدید جنگ اقتصادی

مرکز سیاست اروپا – 23 ژوئن 2026

این یادداشت استدلال می‌کند که بحران تنگه هرمز نشان‌دهنده ورود رقابت‌های ژئوپلیتیکی به مرحله‌ای تازه از «جنگ اقتصادی» است؛ مرحله‌ای که در آن کنترل گلوگاه‌های راهبردی، زنجیره‌های تامین و مسیرهای انتقال انرژی به اندازه تحریم‌ها و ابزارهای مالی اهمیت یافته‌اند. نویسنده توضیح می‌دهد که اختلال در تنگه هرمز تنها عرضه نفت و گاز را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد، بلکه هزینه حمل‌ونقل، بیمه دریایی، تجارت جهانی و امنیت سرمایه‌گذاری را نیز افزایش می‌دهد. از این منظر، تنگه هرمز به ابزاری برای اعمال فشار اقتصادی غیرمستقیم تبدیل شده که آثار آن فراتر از طرف‌های درگیر، اقتصاد جهانی را نیز دربر می‌گیرد.

در ادامه، نویسنده تأکید می‌کند که تجربه بحران هرمز نشان داده است دولت‌ها و شرکت‌ها باید مفهوم امنیت اقتصادی را فراتر از ذخایر انرژی و تنوع تامین‌کنندگان تعریف کنند. نویسنده بر لزوم توسعه مسیرهای جایگزین حمل‌ونقل، افزایش تاب‌آوری زنجیره‌های تامین، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های انرژی و تقویت همکاری میان دولت‌ها و بخش خصوصی تأکید می‌کند. در جمع‌بندی، نتیجه گرفته می‌شود که در عصر جدید رقابت‌های ژئوپلیتیکی، کنترل یا اختلال در گلوگاه‌هایی مانند تنگه هرمز می‌تواند به اندازه ابزارهای سنتی نظامی و مالی در شکل‌دهی به موازنه قدرت و تحولات اقتصاد بین‌الملل نقش‌آفرین باشد.

تنگه هرمز؛ گذرگاهی باریک با پیامدهایی گسترده

موسسه امور راهبردی و بین‌الملل فرانسه - 5 مارس 2026

این یادداشت توضیح می‌دهد که تنگه هرمز، با وجود عرض محدود خود، یکی از حیاتی‌ترین گلوگاه‌های ژئواقتصادی جهان به شمار می‌رود و هرگونه اختلال در آن می‌تواند پیامدهایی فراتر از خلیج‌فارس ایجاد کند. نویسنده با اشاره به نقش این آبراه در انتقال بخش بزرگی از نفت، گاز طبیعی مایع و کالاهای راهبردی، بیان می‌کند که تشدید تنش‌های نظامی، احتمال مین‌گذاری دریایی یا آسیب به نفتکش‌ها می‌تواند علاوه بر افزایش قیمت انرژی، تجارت جهانی، حمل‌ونقل

دریایی و حتی امنیت غذایی بسیاری از کشورها را تحت تاثیر قرار دهد. همچنین تاکید می‌شود که کشورهای حاشیه خلیجفارس برای تامین مواد غذایی و کالاهای اساسی نیز به تداوم فعالیت این مسیر دریایی وابستگی قابلتوجهی دارند.

همچنین، بحران تنگه هرمز نمونه‌ای از شکنندگی زنجیره‌های تامین جهانی در برابر تنش‌های ژئوپلیتیکی معرفی می‌شود و نویسنده استدلال می‌کند که آثار آن تنها به بازار انرژی محدود نمی‌شود، بلکه می‌تواند موجب افزایش تورم، رشد هزینه‌های حمل‌ونقل، اختلال در تجارت محصولات کشاورزی و فشار بر اقتصاد کشورهای واردکننده شود. نویسنده همچنین به همزمانی این بحران با ناامنی دریای سرخ اشاره کرده و هشدار می‌دهد که اختلال همزمان در چند گذرگاه راهبردی، تاب‌آوری اقتصاد جهانی را بیش از پیش تضعیف خواهد کرد. از این منظر، تنگه هرمز نه تنها یک گذرگاه دریایی، بلکه یکی از مهمترین نقاط پیوند امنیت، اقتصاد و زنجیره‌های تامین جهانی محسوب می‌شود.

شوگ انرژی ۲۰۲۰: درس‌های بحران ۲۰۲۲ برای بحران تنگه هرمز

مرکز اصلاحات اروپا – 13 آوریل 2026

این یادداشت با مقایسه بحران انرژی ناشی از جنگ اوکراین در سال ۲۰۲۲ و بحران تنگه هرمز در سال ۲۰۲۶، بررسی می‌کند که بسته شدن طولانی‌مدت این آبراه می‌تواند اروپا را با شوکی هم‌تراز یا حتی شدیدتر از بحران پیشین روبه‌رو سازد. نویسندگان توضیح می‌دهند که اختلال در تنگه هرمز، عرضه جهانی نفت و گاز طبیعی مایع (LNG) را کاهش، قیمت انرژی را افزایش می‌دهد و آثار آن بر رشد اقتصادی، تورم و امنیت انرژی فراتر از منطقه خلیجفارس گسترش می‌یابد. بالاینحال، تاکید می‌شود که شرایط اقتصادی اروپا نسبت به سال ۲۰۲۲ تغییر کرده است و شدت پیامدها به مدت‌زمان اختلال در تنگه هرمز و روند بازگشایی آن بستگی خواهد داشت.

همچنین، نویسنده در ادامه این مقاله بر این نکته تاکید دارد که تجربه بحران ۲۰۲۲ می‌تواند راهنمای سیاست‌گذاران برای مدیریت پیامدهای بحران تنگه هرمز باشد. نویسندگان پیشنهاد می‌کنند حمایت‌های دولتی بر خانوارهای آسیب‌پذیر به‌صورت هدفمند متمرکز شود و از یارانه‌های فراگیر برای سوخت‌های فسیلی پرهیز گردد تا انگیزه کاهش مصرف انرژی حفظ شود. همچنین توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، برقی‌سازی حمل‌ونقل و گرمایش، افزایش بهرهوری انرژی و کاهش وابستگی به واردات نفت و گاز به‌عنوان راهبردهای اصلی افزایش تاب‌آوری اروپا معرفی می‌شوند. در جمع‌بندی، بحران تنگه هرمز نه تنها یک تهدید کوتاه‌مدت، بلکه هشدار برای تسریع گذار به نظام انرژی متنوع‌تر و پایدارتر ارزیابی می‌شود.

تحلیل راهبردی

بررسی مجموعه منابع اندیشکده‌های اروپایی در این گزارش نشان می‌دهد که جایگاه تنگه هرمز در نظام بین‌الملل طی سال‌های اخیر از یک گذرگاه انتقال انرژی به یک متغیر راهبردی در رقابت قدرت‌های جهانی ارتقا یافته است. تقریباً تمامی گزارش‌ها بر این نکته اتفاق نظر دارند که هر تحول امنیتی در این آبراه، همزمان بازار انرژی، تجارت دریایی، سرمایه‌گذاری، حمل‌ونقل و ثبات اقتصادی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. بنابراین، اهمیت تنگه هرمز دیگر صرفاً در حجم نفت و گاز عبوری از آن خلاصه نمی‌شود، بلکه به میزان تاثیر آن بر عملکرد اقتصاد جهانی و نظم ژئوپلیتیکی وابسته است.

یکی از مهمترین یافته‌های مشترک این گزارش‌ها، تغییر ماهیت تهدیدها در تنگه هرمز است. برخلاف گذشته که تمرکز بر انسداد کامل این آبراه بود، اکنون تهدیدهای محدود اما مستمر مانند حملات پهپادی، مین‌های دریایی، جنگ الکترونیک، عملیات سایبری و افزایش هزینه‌های بیمه نیز می‌توانند همان آثار اقتصادی را ایجاد کنند. این تحول نشان می‌دهد که در آینده، امنیت دریایی بیش از آنکه به کنترل فیزیکی مسیر وابسته باشد، به مدیریت ریسک، اعتماد بازارها و توانایی کشورها در کاهش ناپایداری بستگی خواهد داشت.

مطالعات مختلف این مراکز مطالعاتی همچنین نشان می‌دهند که بازار جهانی انرژی هنوز جایگزین کاملی برای تنگه هرمز در اختیار ندارد. اگرچه طی سال‌های اخیر خطوط لوله، بنادر جایگزین و پروژه‌های ترانزیتی متعددی توسعه یافته‌اند، اما ظرفیت آنان پاسخگوی حجم فعلی صادرات انرژی منطقه نیست. به همین دلیل، هرگونه بحران طولانی‌مدت در این آبراه همچنان می‌تواند شوک قابلتوجهی به بازارهای جهانی وارد کند. این موضوع بیانگر آن است که وابستگی ساختاری اقتصاد جهانی به تنگه هرمز، حداقل در میان‌مدت، همچنان ادامه خواهد داشت.

یکی دیگر از روندهای قابلتوجه، تغییر نگاه کشورهای مصرف‌کننده انرژی نسبت به مفهوم امنیت انرژی است. در بسیاری از گزارش‌ها، امنیت انرژی دیگر صرفاً به معنای دسترسی به منابع نفت و گاز نیست، بلکه شامل تنوع بخشی به منابع، مسیرهای انتقال، فناوری‌های نوین، ذخایر راهبردی و توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر نیز می‌شود. بحران هرمز این تحول را تسریع کرده و بسیاری از کشورها را به سمت افزایش تاب‌آوری در برابر شوک‌های ژئوپلیتیکی سوق داده است.

از منظر نظامی، بررسی مقالات و یادداشت‌های سیاستی و تحلیلی اندیشکده‌های مهم اروپایی نشان می‌دهد که هیچ راهکار سریع و کم‌هزینه‌ای برای تامین کامل امنیت تنگه هرمز وجود ندارد. حتی پیشرفته‌ترین ناوگان‌های دریایی نیز در برابر مجموعه‌ای از تهدیدهای نامتقارن با محدودیت‌هایی روبه‌رو هستند. از این رو، بیشتر تحلیلگران بر ترکیب عملیات نظامی، همکاری اطلاعاتی، مین‌روبی، اسکورت دریایی، سامانه‌های هشدار و اقدامات دیپلماتیک تاکید کرده‌اند. این نتیجه نشان می‌دهد که امنیت این آبراه بیش از گذشته به مدیریت چندبعدی بحران وابسته شده است.

در حوزه حقوق بین‌الملل نیز مطالعات نشان می‌دهند که اگرچه قواعد حقوق دریاهای چارچوب مشخصی برای آزادی کشتیرانی فراهم کرده‌اند، اما اجرای عملی این قواعد در شرایط بحران همواره با ملاحظات امنیتی و سیاسی همراه است. تجربه سال‌های اخیر نشان داده است که اختلافات ژئوپلیتیکی می‌تواند اجرای اصول حقوقی را با چالش مواجه کند. بنابراین، قواعد حقوقی زمانی بیشترین کارآمدی را خواهند داشت که با سازوکارهای اعتمادساز، گفت‌وگوهای منطقه‌ای و همکاری میان بازیگران مختلف همراه شوند.

بُعد اقتصادی بحران در تنگه هرمز نیز از منظر منابع بسیار قابلتوجه است. افزایش هزینه بیمه کشتی‌ها، رشد نرخ حمل‌ونقل، نوسانات بازارهای مالی، افزایش قیمت کالاهای اساسی و اختلال در زنجیره‌های تامین، همگی نشان می‌دهند که آثار بحران تنها به تولیدکنندگان انرژی محدود نمی‌شود. بسیاری از کشورهای فاقد منابع انرژی نیز به دلیل وابستگی به تجارت دریایی یا واردات کالاهای واسطه‌ای، از چنین تحولاتی متاثر خواهند شد. در نتیجه، بحران هرمز یک مسئله جهانی با پیامدهای اقتصادی چندلایه تلقی می‌شود.

مطالعات بررسی‌شده همچنین بیانگر آن است که اهمیت تنگه هرمز در آینده صرفاً به نفت محدود نخواهد ماند. رشد تجارت گاز طبیعی مایع، افزایش انتقال مواد اولیه صنایع پیشرفته، توسعه صادرات پتروشیمی، کودهای شیمیایی و سایر کالاهای راهبردی باعث شده است که این آبراه نقش گسترده‌تری در اقتصاد جهانی پیدا کند. این روند موجب خواهد شد که حتی با کاهش تدریجی سهم نفت در سبد انرژی جهان، اهمیت ژئوپلیتیکی تنگه هرمز همچنان در سطح بالایی باقی بماند.

از منظر ژئوپلیتیکی، گزارش‌ها نشان می‌دهند که بحران‌های تنگه هرمز معمولاً به بازتعریف رفتار بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای منجر می‌شوند. کشورهای حوزه خلیجفارس، اروپا، آمریکا، چین و هند هر یک تلاش می‌کنند همزمان امنیت انرژی، منافع اقتصادی و ملاحظات سیاسی خود را حفظ کنند. این تنوع منافع سبب شده است که شکل‌گیری یک سازوکار امنیتی فراگیر برای این آبراه با دشواری همراه باشد و مدیریت بحران نیازمند هماهنگی مستمر میان بازیگران متعدد باقی بماند.

وجه مشترک اغلب این گزارش‌ها، تاکید بر نقش دیپلماسی در کنار ابزارهای نظامی است. بسیاری از نویسندگان و کارشناسان این مقالات و یادداشت‌ها معتقدند که اقدامات نظامی می‌تواند تنها بخشی از تهدیدهای فوری را کنترل کند، اما بازگرداندن اعتماد بازارها، شرکت‌های کشتیرانی و سرمایه‌گذاران بدون کاهش تنش‌های سیاسی امکان‌پذیر نخواهد بود. به همین دلیل، گفت‌وگوهای منطقه‌ای، همکاری‌های چندجانبه و سازوکارهای اعتمادساز به عنوان مکمل ضروری اقدامات امنیتی معرفی شده‌اند.

یکی دیگر از نتایج مهم این مطالعات، افزایش توجه کشورها به مسیرهای جایگزین تجارت و انرژی است. توسعه کریدورهای زمینی، خطوط لوله جدید، بنادر جایگزین و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های آمادی، همگی در پاسخ به آسیب‌پذیری ناشی از وابستگی به گلوگاه‌های راهبردی دنبال می‌شوند. هرچند این پروژه‌ها در کوتاه‌مدت قادر به حذف نقش تنگه هرمز نیستند، اما در بلندمدت می‌توانند بخشی از فشار ناشی از بحران‌های احتمالی را کاهش و انعطاف‌پذیری تجارت جهانی را افزایش دهند.

مجموعه این گزارش‌ها در اندیشکده‌های مهم اروپایی همچنین نشان می‌دهد که مفهوم «تاب‌آوری» به یکی از کلیواژه‌های اصلی سیاست‌گذاری تبدیل شده است. تاب‌آوری در اینجا تنها به معنای افزایش توان نظامی نیست، بلکه شامل آمادگی اقتصادی، تنوع منابع انرژی، ذخایر راهبردی، زیرساخت‌های مقاوم، هماهنگی نهادی و برنامه‌ریزی برای مدیریت

بحران نیز می‌شود. این تغییر رویکرد بیانگر آن است که کشورها بیش از گذشته بر کاهش آسیب‌پذیری در برابر شوک‌های ژئوپلیتیکی تمرکز کرده‌اند، نه صرفاً بر واکنش به بحران پس از وقوع آن.

بررسی مجموعه گزارش‌ها نشان می‌دهد که تنگه هرمز در آینده نیز یکی از تعیین‌کننده‌ترین نقاط ژئوپلیتیکی جهان باقی خواهد ماند. اهمیت این آبراه از حوزه انرژی فراتر رفته و اکنون با امنیت غذایی، تجارت جهانی، حقوق بین‌الملل، رقابت قدرت‌های بزرگ، زنجیره‌های تامین و ثبات اقتصاد جهانی پیوند خورده است. بر این اساس، مدیریت پایدار تنگه هرمز مستلزم ترکیبی از راهکارهای امنیتی، حقوقی، اقتصادی و دیپلماتیک خواهد بود و هرگونه تغییر در وضعیت این گذرگاه می‌تواند پیامدهایی فراتر از منطقه خلیج فارس و در مقیاس جهانی به همراه داشته باشد.

پایان/